



تفسیر مأثور؛ بیانگر ارتباط تنگاتنگ پیامبر(ص) و عترت(ع) با قرآن کریم

سنت، مفسر قرآن کریم است که مانند قرآن بر پیامبر(ص) نازل شده و تفسیر مأثور در حقیقت ارتباط تنگاتنگ پیغمبر(ص) و عترت طاهری(ع) با قرآن را تبیین می‌کند و این نکته مهمی است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد.

سنت، مفسر قرآن کریم است که مانند قرآن بر پیامبر(ص) نازل شده و تفسیر مأثور در حقیقت ارتباط تنگاتنگ پیغمبر(ص) و عترت طاهری(ع) با قرآن را تبیین می‌کند و این نکته مهمی است که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد.

حجت‌الاسلام و المسلمین ابراهیم یعقوبیان، محقق و نویسنده، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، به بیان سخنانی درباره تفسیر مأثور قرآن کریم پرداخت و با اشاره به رابطه تفسیری قرآن و سنت اظهار کرد: پیامبر(ص) سنت را که به عنوان شارح و مفسر قرآن بود، در اختیار عده‌ای از شاگردان خود قرار دادند و آنان هر یک بخشی از آن را دریافت کردند.

اهل بیت(ع) حاملان اسرار قرآن و سنت نبوی

وی افزود: صورت تام و تمام و کامل این سنت تنها در اختیار امیرالمؤمنین علی(ع) و عترت طاهری بود که ظرفیتی نبی‌گونه و شبیه ظرفیت پیامبر(ص) داشتند و می‌توانستند حامل همه اسرار قرآن باشند و به این مطلب در فرمایشات حضرات معصومین(ع) بارها اشاره شده و از جمله امام علی(ع) در نهج‌البلاغه این مباحث را در خطبه‌های متعدد بیان کرده اند.

این مدرس حوزه علمیه تصریح کرد: برای نمونه در خطبه 157 صراحت فرمایش امیرالمؤمنین(ع) این است «ذلك القرآن فاستنطقوه ولن ينطق و لكن اخبركم عنه؛ اگر می‌توانید قرآن را به نطق کشیده و آن را به سخن در بیاورید، در حالی که چنین توانی ندارید و این منم که از قرآن به شما خبر می‌دهم».

اگر بین دستاوردهای قطعی علوم تجربی یا قواعد محکم عقلی با نقل تعارض پیش آمد، در آنجا نقل را کنار می‌گذاریم. آنچه که از اهل بیت(ع) یقیناً به دست ما رسیده است، مطمئناً با قواعد مسلم عقلی و تجربی تعارض نخواهد داشت و این امر برای ما روشن و مسلم است

وی ادامه داد: حضرت همچنین در خطبه 153 می‌فرمایند: «فیهم کرائم القرآن و هم کنوز الرحمن إن نطقوا صدقوا و إن صمتوا لم یسبقوا؛ تمام حقایق عالیه قرآن و گنج‌های پروردگار در نزد اهل بیت عصمت و طهارت(ع) است؛ آنان اگر سخن بگویند، صادقانه می‌گویند و حکمت‌ها را عرضه می‌کنند و اگر ساکت شوند کسی بر آنان سبقت نمی‌گیرد»؛ یعنی اگر اهل بیت(ع) در زمینه‌ای سخن نگویند، کسی جرأت سخن گفتن ندارد.

یعقوبیان در تشریح این مطلب عنوان کرد: در خود قرآن کریم نیز آیاتی نظیر آیه شریفه هفتم از سوره آل عمران که در باب «راسخان در علم» سخن گفته و برخی از آیات دیگر، به صراحت این مطلب را مطرح کرده‌اند که سنت در خدمت اهل بیت عصمت و طهارت(ع) بوده و بنا بود تا آنان مفسر و مبین قرآن باشند تا خط نبوی استمرار پیدا کند و قطعاً همه منصفان با ما هم‌عقیده‌اند که پیغمبر اکرم(ص) مجالی برای شرح و بسط کامل همه آیات قرآن کریم پیدا نکردند و این امر را به اهل بیت(ع) واگذار کردند.

دامنه تفسیر مأثور بسیار گسترده‌تر از معنای رایج است

وی با تأکید بر اینکه متأسفانه از همان ابتدا جلوی این خط گرفته شد، گفت: حال سؤال این است که آیا ما تفسیر مأثور داریم یا نه و اگر داریم، چه میزان است؟ پاسخ آن است که ما تفسیر مأثور داریم و برخلاف کسانی که گفته‌اند ما چند صد روایت تفسیری داریم، بنده معتقدم روایات تفسیری بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که برخی مطرح کرده‌اند و تنها بخشی از این روایات در تفاسیری چون کنزالعرفان، نورالثقلین، البرهان و ... آمده است.

این پژوهشگر خاطرنشان کرد: ورود در تفسیر مأثور بدان معناست که ما با این تفسیر می‌خواهیم ارتباط پیغمبر(ص) و عترت(ع) را با

قرآن تبیین کنیم و این نکته معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ هنگامی که بحث از تفسیر روایی پیش می‌آید، این نکته باید به ذهن ما بیاید که چه ارتباطی بین سنت نبوی و تفسیر روایی با پیغمبر اکرم(ص) و عترت طاهرین(ع) و چه ارتباطی بین پیغمبر(ص) و عترت(ع) با قرآن مطرح است.

نویسنده کتاب «لوامعالبیان» با اشاره به رابطه تفسیری سنت با قرآن تأکید کرد: سنت مفسر قرآن کریم است و هر چه در قرآن آمده، شرح و بسط آن در سنت نیز آمده است؛ این سنت مانند قرآن بر پیغمبر نازل شده و ما باید به این سنت تفسیر مأثور و روایی و منقول از اهل بیت عصمت و طهارت(ع) را که در خدمت قرآن است، مفسر قرآن بدانیم.

عقل و نقل / تفسیر عقلی و تفسیر مأثور

وی در بخش دیگری از سخنان خود در پاسخ به این سؤال که آیا اختلاف و تعارض ظاهری که بعضاً میان عقل و نقل مطرح بوده، می‌تواند بین تفاسیر روایی و عقلی مطرح باشد؟، عنوان کرد: در بحث از این مطلب نخست باید دید که این تعارض بین عقل و نقل به چه معناست و سپس مرز این تعارض با مفاهیم دیگری مانند تناقض و تضاد مشخص شود؛ همچنین باید دید که مراد از عقل در اینجا به معنای قواعد فلسفی یا به معنای علوم تجربی است.

این پژوهشگر با طرح این سؤال که آیا بین قرآن و عقل (به هر دو معنای آن: عقل فلسفی و علوم تجربی) تعارض وجود دارد؟، اظهار کرد: این بحث را بزرگان ما در علم اصول مطرح کرده‌اند که اگر واقعاً بین نقل با علوم تجربی و دستاوردهای قطعی علمی و یا با قواعد محکم بدون تردید و مسلم عقلی تعارض باشد، اهل بیت(ع) در اینجا به ما گفته‌اند که مطمئناً آن مطلب ارتباطی به ما ندارد.

نویسنده کتاب «سهوالنبی» اضافه کرد: پس اگر بین دستاوردهای قطعی علوم تجربی یا قواعد محکم عقلی با نقل تعارض پیش آمد، در آنجا نقل را کنار می‌گذاریم. آنچه که از اهل بیت(ع) یقیناً به دست ما رسیده است، مطمئناً با قواعد مسلم عقلی و تجربی تعارض نخواهد داشت و این امر برای ما روشن و مسلم است. اما اگر جایی بین نقل و عقل قطعی، بدیهی و فطری تعارضی پیش آمد، در آنجا قطعاً نقل را کنار نهاده و می‌گویند این ارتباطی با اهل بیت(ع) ندارد و درست نقل نشده است.